

میدون و سوفیا

توی اینترنت خوندم روزنامه گرون شده



پوریا عالمی

- سلام سوفیا. دیدی روزنامه «شرق» شده چهارهزار تومان؟

- سلام میدون دوم، والااا. چقدر گرون، این روزنامه‌نگارها دلارهای آمریکا و انگلیس بسشون نبود، حالا روزنامه رو هم گرون کردند که بارشون رو ببندند. من که دیگه با این قیمت‌ها روزنامه نمی‌خرم. ببینم آخرین‌باری که روزنامه خریدی کی بود؟ - هووووو... فکر کنم ۱۰ سال پیش! - هه‌هه. بعد این‌طوری می‌خوای بفهمی مملکت دست کیه؟

- ببینم میدون دوم، خودت این خبر رو که روزنامه «شرق» شده چهارهزار تومان از کجا شنیدی؟ روزنامه خریدی؟ رقتی دم کیوسک روزنامه بخری که یکهو فهمیدی روزنامه گرون شده؟

- نه به جان سوفیا. توی اینستاگرام خوندم.

- بهتر. توی روزنامه‌ها که دیگه چیزی نمی‌نویسند. خود روزنامه‌نگارها هم توی اینستاگرام و توئیتر و تلگرام می‌نویسند، اما حقوقشان را از روزنامه می‌گیرند.

- راست میگي. اصلا دوره مطبوعات کاغذی سر اوده.

- دقیقا. الان دوره شاخ‌های اینترنته. بهترین تحلیل‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی و نفخ و اوره و جربی رو من از شاخ‌های اینترنت خوندم.

- راست میگي. خود من عضو یک صفحه هستم به اسم دیوانه‌خانه. خلاصه وضعیت کشور و منطقه و جهان را همان جا مطالعه می‌کنم و دیگر ارضا می‌شوم.

- پس با این اوصاف حالا چی‌کار کنیم؟ - من می‌گم با الهام از کلمه «روزی‌نامه‌نگار» که روزنامه محترم کیهان علیه دیگر روزنامه‌نگاران استفاده می‌کند، ما هم یک هشتگ بسازیم توی اینترنت این شکلی #روزنامه-نگار-یا-روزی-نامه-نگار و پته روزنامه‌نگارها را بریزیم روی آب. - چقدر با ذکاوت! آفرین. بوس بر تو.

دور دنیا

راه مرگ‌بار مهاجران ونزوئلایی

● پناه‌جویان و مهاجران ونزوئلایی خطر سیلاب، راهزنان و گذرگاه‌های مرگ‌بار را به جان می‌خرند، بلکه در شهر مرزی کوکوتا در کلمبیا غذا، خدمات درمانی و امنیت بیابند.
سایت کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد گزارشی درباره وضعیت این پناه‌جویان نوشته که خلاصه‌ای از آن را می‌خوانیم.
خوزه لوئیس خیمیز ونزوئلایی تا اینجا خطر راهزنان و گروه‌های مسلح را به جان خریده و به این شهر رسیده تا برای خانواده‌ها غذا فراهم کند، اما در این هفته عبورومورر حتی خطرناک‌تر از قبل شده است. هزاران ونزوئلایی دیگر نیز در این رگبار سیلابی دسته‌جمعی از رودخانه مرزی می‌گذردن تا در این شهر مرزی کمک اضطراری دریافت کنند.
خیمیز از آشپزخانه‌ای که کمیساریای پناهندگان سازمان ملل متحد با کمک کلیسای کاتولیک محلی اداره می‌کند، با خیسل ونزوئلایی‌های گرسنه، غذای گرم دریافت می‌کند.

این مرد ۴۸ ساله پرقاطت می‌گوید: «از کمیساریای عالی و کلیسا سپاسگزارم. برای تغذیه خودم و فرزندانم به این خدمات آنها متکی هستم و نمی‌دانم اگر آنها نبودند، چه باید می‌کردم».

از سال ۲۰۱۵ بیش از ۲۰۷ میلیون ونزوئلایی در جریان تورم سه‌فلك‌کشیده، کمبودها، آشفنگی سیاسی، خشنونت و آزار و شکنجه و در پی امنیت یا زندگی بهتر کشورشان را ترک کرده و عنوان پناهنده یا مهاجر گرفته‌اند. آشپزخانه، روزانه هشت هزار وعده غذا در اختیار آنان قرار می‌دهد و زندگی پناه‌جویانی که به کوکوتا می‌آیند و همچنین افرادی مانند خوزه لوئیس که همچنان در ونزوئلا زندگی می‌کنند، اما هر روز از مرز می‌گذردن و به کلمبیا می‌آیند تا به خانواده غذا برسانند، به آن بستگی دارد. در اتجا حاکم، مشاوره پزشکی و کمک‌های حقوقی نیز در دسترس است. او برای کسب چند پیو (واحد پول کلمبیا) مجبور است بارهای اسنگین سایر ونزوئلایی‌هایی را که به کوکوتا سفر می‌کنند تا غذا، دارو یا کالاهای کمیاب دیگر را بخردن که پیداکردنش در کشورشان غیرممکن است، حمل کند و مانند هزاران هم‌وطن خود باید از جاده‌هایی مرگ‌بار بگذرد و در میان آب تیره رودخانه تاجیرا که تا کم‌تر می‌رسد، جعبه‌های سنگین، چمدان یا لاستیک اتومبیل حمل کند. این کار حتی در بهترین زمان‌های رودخانه هم سخت و خطرناک است، اما جریان رودخانه که هر لحظه ممکن است طغیان کند، این روزها مدام کنده درخت و جسم حیوانات را با خود می‌آورد. از همه بدتر راهزنان و گروه‌های مسلح هستند که در کمین پناه‌جویان معلول نیز در این جمعیت هستند.

نیروهای امنیتی در هر دو طرف مرز می‌خواهند وضعیت را کنترل کنند و در همین حال مردم ناامیدانه برای به‌دست‌آوردن غذا یا دارو تلاش می‌کنند. بچه‌های کوچک و زنان باردار و سالمندان و افراد معلول نیز در این جمعیت هستند.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۹۸ ۲۰ شعبان ۱۴۴۰ ۸ آوریل ۲۰۱۹ سال شانزدهم • شماره ۳۳۹۷ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۱۹:۵۰ • اذان صبح فردا ۵:۱۴ • طلوع آفتاب ۶:۰۴

روزنفرها

کار تون خواب

داريو کاستيلجوس



پرنده آبی

سیلی که همدلی آورد

سیلی که در آغاز امسال آمد، بسیاری را ترساند، بسیاری را بی‌خانمان کرد، مسئولان ناگزیر شدند تصمیمات سریعی بگیرند، ناتوانی‌هایشان مشخص شد، عدم آمادگی‌شان در لحظه‌های بحرانی بیش از پیش معلوم شد و از سوی دیگر مردم بار دیگر همدلی و همراهی‌شان را با یکدیگر نشان دادند. ما که عادت داشتیم مدام از رفتارهای نادرست بگوییم، به سراغ مشکلات برویم، غصه‌ها را بزرگ کنیم و ایرادات دیگران را از منظر یک دانای کل به رخ بکشیم، این بار در مواجهه با حجم زیادی از همراهی‌ها و همدلی‌ها قرار گرفتیم. این لحظه‌ها در خاطره بسیاری از ایرانی‌ها ماندگار شد، شاید لحظه‌های گذرایی بود اما خاطره‌انگیز شد تا بعدها به خود افتخار کنیم و باور کنیم ما هم می‌توانیم همانند دیگر کشورها در میانه بحران قدم‌های درست برداریم و مردم را دلگرم کنیم به حمایت و پشتیبانی.

■ همیشه یکی از مشکلاتی که در آتش‌سوزی‌ها و حوادث تلخ داشتیم مانند آتش‌سوزی پلاسکو یا حتی موارد دیگر حضور مردم همیشه‌درصحنه بود که مشغول عکاسی بودند و مشغول ثبت خود در میانه واقعه. این بار تعداد کسانی که با این رویکرد به عکاسی و فیلمبرداری پرداختند کمتر بود. آنان که حضور داشتند جای خالی روزنامه‌نگاران و خبرنگارانی که در تعطیلات به سر می‌بردند را پر کردند. همان‌طور که حسین امامی از استادان رسانه نیز گفته است: «تلگرام رسانه اصلی اخبار سیل شد. بخش زیادی از تولیدات کانال‌های خبری درباره حادثه سیل از طرف همین افرادی بود که در دل حادثه حضور داشتند. کاربران ایرانی در حادثه سیل اخیر از توئیتر برای نقد و تحلیل اخبار، خوب و تاثیرگذار استفاده کردند».

■ هرچند حجم سیل در شیراز قابل مقایسه با



بابک زمانی رئیس انجمن سکنه مغزی

می‌گویند بینش مهندسی در تاریخ معاصر کشور ما و به‌خصوص در دهه‌های اخیر، نقشی تاثیرگذار داشته است. بسیاری از فعالان سیاسی مؤثر و بنیان‌گذاران سازمان‌های سیاسی از طیف‌های مختلف مهندسی و فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های فنی بوده‌اند و نه فارغ‌التحصیل علوم سیاسی! و در واقع دانشکده فنی دانشگاه تهران همواره از مهم‌ترین کانون‌های سیاسی کشور بوده است. بینش مهندسی بر نوعی عقلانیت مکانیکی و ساده‌انگارانه متکی است؛ همان‌قدر که برای ساخت یک خانه یا یک کارخانه لازم است. البته مقدار زیادی خوش‌بینی هم در آن وجود دارد، به اندازه خوش‌بینی مهندسی که پس از ساخت پل با اطمینان زیر آن می‌ایستند و البته در این بینش باور به فعالیت جمعی (از نوع فعالیت جمعی‌ای که کارگران در اطاعت و امر آقای مهندس از خود نشان می‌دهند) نقشی محوری دارد. اما متأسفانه روند تعاملات اجتماعی بسیاربسیار پیچیده‌تر از سازوکار تولید و کار در یک کارگاه است. در این نوع تعاملات اکثر مواقع ممکن است برخلاف انتظار، موتور کوچک، موتور بزرگ را روشن نکند و معمولاً تکنیک‌های تولید قطعات فلزی نمی‌توانند با استراتژی‌های کارخانه‌های سایپا یکی

۱- درخصوص محاکمه‌ها پرسش‌ها و ابهاماتی مطرح می‌شود و به علت عدم پاسخ‌گویی، مجمل می‌ماند. حال آنکه با توجه به نحوه انشای ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن، تقریباً بدون تردید می‌توان گفت که انتشار احکام دادگاه‌ها پس از قطعیت‌یافتن حکم، به ویژه وقتی محکوم‌علیه متقاضی این کار باشد، بلامانع است و اگر چنین شود شاید آن ابهام و اجمال برطرف گردد و همه مراجع قضائی به دقت و احتیاط بیشتر وادار شود. مثال‌هایی می‌توان آورد: الف- فردی مثلاً خانته‌ها را به کشف حجاب فراخوانده است. کسی این گفته و نظر را پس‌نبدیده و در ملأعام کشف حجاب کرده و دستگیر شده است. تا اینجا عمل مرتکب مشمول تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی و مجازات آن حبس ۱۰ روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار ریال تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی است و حکم حبس کمتر از ۹۱ روز هم معلوم است. حال فرض کنیم که خانم‌های متعددی از آن فراخوان آگاه شدند و اقدام مشابهی کردند و دستگیر شدند. باز هم عمل هر یک از آنها مشمول همان ماده و تبصره و همان مجازات است و ناچار حبس زیر ۹۱ روز هم به مجازات‌های جایگزین باید تبدیل شود. حال اگر شنیده شود که مثلاً دادگاهی عمل این افراد را «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور...» موضوع ماده ۶۱۰ یا ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی تشخیص داده و آنها را به حبس‌های تعزیری دو یا سه سال یا بیشتر محکوم کرده و احکام صادره نیز قطعی شده است، لاجرم سوالات و ابهاماتی در اذهان مطرح خواهد شد: اولاً- اگر عمل مرتکبان فقط کشف حجاب در انظار عمومی باشد، با توجه به وجود نص و مجازات معلوم، دلیل تشدید مجازات چه بوده است؟ ثانیاً- کسی در جایی حرفی زده و فرد یا افرادی در جا و جاهای دیگری این حرف را شنیده‌اند و عمل کرده‌اند. آیا این را می‌توان مصداق «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم» تلقی کرد؟ ثالثاً- از آنجا که «فرض محال محال نیست» فرض کنیم که این افراد متفقاً برای کشف حجاب در ملأعام، تبانی کرده‌اند و این عمل را مرتکب شده‌اند. آیا این «ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور» خواهد بود؟ اگر امنیت داخلی و خارجی با این چیزها در معرض خطر قرار گیرد که «اولیاء» است، رایعاً- توجه کنیم که «جراسم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور» موضوع فصل اول از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی است و مواد ۴۹۸ تا ۵۱۵ در دربر می‌گیرد. کشف حجاب علنی که موضوع تبصره ماده ۶۳۸ قانون مذکور است در میان این ماده‌ها نیست بنابراین اعدا تا تعیین مجازات حبس سنگین برای این افراد نمی‌تواند به استناد ماده ۶۱۰ یا ۶۱۱ باشد. خامساً- ممکن است گفته شود این مجوعه مصداق «معاونت در جرم» موضوع مواد ۱۲۴ تا ۱۲۹

باشند و بدتر از همه اینکه این کارخانه، خلاف سایر دستگاه‌ها و کارخانه‌ها هیچ کاتالوگی ندارد. کتاب‌های مارکس و لنین هم اگرچه مثل کاتالوگ‌های کارخانه‌ها بسیار قطورند، اما وقتی واقعا مشغول مطالعه خود آنها می‌شوید، می‌بینید که کتاب‌های مارکس در اصل کلمات و جملات پیچیده و ثقیلی با معانی اقتصادی هستند و کتاب‌های لنین هم فقط مشاجرات لفظی تند و تیز، با انواع اتهامات خطاب به مخالفان! اگر هم خودتان را لنین و مخالفان‌تان را مخالفان لنین به حساب بیاورید، یعنی بخواهید کاتالوگ‌مایانه از این کتاب‌ها استفاده کنید، چنان نتایج افضاحی به بار می‌آید که یا باید سازمان را منحل کنید یا با چوب و چماق حرفتان را به کرسی بنشانید. اینکه این موضوع تا چه حد محدود به کشور ما و تا چه حد خاص کشورهایی است که در دوران گذاردن، موضوع مهمی است، اصلاً مقصود این یادداشت نیست. در اینجا فقط می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که این بینش مهندسی محدود به سیاست ما نیست. نوعی بینش مهندسی با همان نگاه مکانیکی و همان باور خوش‌بینانه به عقل در کار پزشکی هم وجود دارد. کافی است با یکی از استادان دانشگاه صنعتی شریف درباره ابتلای یکی از بستگانش به صرع دقایقی هم‌کلام شوید تا دریابید نگاه مهندسی به کار پزشکی چگونه می‌تواند باشد. تنها جواب‌هایی دقیق درساره علت‌ها طلب می‌کند و هر نوع کاری را مقدر می‌پندارد. نگاه مهندسی به طب محدود به مهندسان نیست، هر نگاهی که ارزش نمی‌دانم‌های آگاهانه طب

آکادمی

بینش مهندسی در کار پزشکی

در پاسخ به سوالات را درک نمی‌کند یا آن را نادانی طبیب می‌پندارد، هر نگاهی که تنها پاسخ‌هایی دقیق و بی‌چون‌وچرا را می‌طلبد، هر نگاهی که خواستار نوعی تضمین در کار پزشکی است، هر نگاهی که تیرها در بند نتیجه است و به راهکار توجهی ندارد. ترجیح کارهای عملی بر کارهای تعقلی در واقع نوعی نگاه مهندسی به مقوله‌ای است که از اساس مبانی پیچیده‌تری دارد. به‌علاوه، اینکه سینیوزیت به‌عنوان علت سردرد بسیار محبوب‌تر از مفهوم میگرن است، نوعی نگاه مهندسی به قضیه است. سینیوزیت نوعی آلودگی بیرونی است که کارگاه را فراگرفته، می‌توان با شست‌وشوی مناسب نشد با جراحی، کاملاً از آن پاک شد. در مقابل میگرن چیست؟ نامی که دکترها روی این سردرد می‌گذارند و خودشان هم نمی‌دانند چیست! عامل ویروسی در بسیاری از التهابات سیستم عصبی هم همین‌طور است. درک اینکه ویروس می‌تواند نخاع یا عصب صورت یا عصب گوش را مبتلا کند ایده جالبی است؛ هم قابل فهم و هم قابل علاج. بینش مهندسی معتقد است به عمل کار برآید به سخندانی نیست. بینش پزشکی تشخیص را بیش از هر چیز از زوای گفت‌وگویی نظام‌مند درمی‌یابد. بینش مهندسی بسیار زودتر به نتیجه می‌رسد و زود عمل می‌کند. بینش پزشکی می‌تواند تهور مورد لزوم برای هیچ کاری نکردن، صبر و انتظار را هم دریابد. آیا نگاه مهندسی به پدیده‌های انسانی و اجتماعی مختص جامعه ماست یا این هم روندی اجتناب‌ناپذیر در بیرون آمدن از سیاهه قرون است؟

تجربه دیگران

در لزوم انتشار آرای دادگاه‌ها

شد. نفس قبول وکالت از آنها بلامانع بوده است. ثالثاً- طبق قانون انتخاب وکیل به وسیله اصحاب دعوا، وکیل در موضع دفاع از حرمت و مصونیتی همچون قضات برخوردار است. آیا ممکن است وکلی صرفاً به خاطر قبول وکالت از موکل یا موکلانی با اتهامات خاص که در مورد آنها حساسیت وجود دارد، تحت تعقیب قرار گیرد و محکومیتی به اضعاف مضاعف شدیدتر از موکل یا موکلانش (که شدت مجازات خود آنها هم – به شرح پیش‌گفته- محل تامل است) پیدا کند؟ رایعاً- رای صادره علیه وکیل مذکور ناچار مستنداتی داشته (اصل ۱۶۶ قانون اساسی و ماده ۲ و ۳۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری) یعنی قاعدتاً جنبه‌های موضوعی قضیه و اینکه دقیقاً چه وقایعی رخ داده که وصف مجرمانه داشته است، در رای تشریح – و حکم قضیه هم بیان و روشن شده است که عمل یا اعمال انجام‌شده طبق کدام ماده از مواد از قانون جرم تلقی شده و مجازاتش چیست و بالاخره موضوع بر حکم منطبق و تعیین مجازات شده است. یا از این حکم تجدیدنظر خواسته شده و یا محکوم‌علیه‌ها – به هر علت- تجدیدنظر نخواست‌ه است. و در هر دو حالت حکم قطعی است و گمان نمی‌رود محکوم‌علیه‌ها با انتشار آن مخالفتی داشته باشد. حال اگر متن کامل حکم یا احکام- چه آن پنج سال و چه این ۱۲ سال- منتشر شود، همان‌که چه مردم عادی کوچه و بازار، چه حقوق‌دانان معظم و چه حقوق‌خوانانی همانند بنده، خواهند توانست آن را بخوانند و بررسی کنند. این اقدام خواصی چند دارد: نخست اینکه راه شایعه و شائبه بسته می‌شود. همواره درهای بسته و دیوارهای بلند و نوشته‌های پنهان‌شده و نجوا و سخن درگوشی مقام پاسخگویی به شبهات و شایبات «کم نمی‌آورند» و دوم- اینکه با توجه به آنچه گفته شد همگان -از عام و خاص- چیزی یاد می‌گیرند و دانششان فزونی می‌یابد. سوم اینکه همگان- ایضاً از عام و خاص- تکلیف خود را می‌فهمند و متوجه می‌شوند چه باید نکنند تا به عقوبت مشابهی گرفتار نباشند. چهارم اینکه مسئولان و بزرگان در مقام پاسخگویی به شبهات و شایبات «کم نمی‌آورند» و خود را برای جوابگویی مستدل و روشن آماده می‌کنند. خلاصه اینکه درست است تا این زمان قوه قضائیه قانونا پاسخگو نیست- که البته این خود درخور تامل بسیار است- اما به موجب قانون آگاهی‌رسانی به مردم در مورد آرای قطعی دادگاه‌ها نه تنها احاطه و اولی بلکه واجب است. این موضوع درباره همه آرای قطعی از جمله احکامی که مثلاً علیه مفسدان اقتصادی صادر و اجرا می‌شود صادق است زیرا – صرف‌نظر از بحثی کلی که در مورد مجازات اعدام وجود دارد – گمان نمی‌رود کسی با اصل لزوم مجازات شدید مفسدان اقتصادی مخالفت باشد اما قطعاً مجازات شدیدی مورد تأیید است که با رسیدگی منصفانه دقیق و رعایت کامل حق دفاع متهم و بالاخص با کارشناسی کارشناسان متخصص صادر شده باشد. به نظر می‌رسد چاره کار آن باشد که کلیه احکام کیفری قطعی و اجراشده -بدون استثنا – مثلاً در یک سایت مشخص در اختیار همه مردم قرار گیرد ولو با حذف اسامی – والله اعلم.

زندگی دیگران

شرکت‌کنندگان در این تحقیق، ۱۶ هزار و ۵۰۰ یورو، معادل ۱۸ هزار و ۵۲۲ دلار پیردازند. هنگامی که فضاوردان در فضا به‌سر می‌برند، بی‌وزنی ناشی از نبود جاذبه زمین، تغییراتی را در بدن آنان ایجاد می‌کند، به‌طوری‌که کاهش فشارهای فیزیکی در فضا، منجر به جابه‌جایی عضلات، استخوان‌ها و حرکت مایعات بدن به سمت سر انسان می‌شود. هر شرکت‌کننده در یک اتاق خصوصی خواهد بود و روی تختی شیب‌دار دراز خواهد کشید.

انسان چه تأثیری می‌گذارد. دانشمندان حاضرند برای

یکی از حسرت‌های زندگی برخی از متقاضیان کار

در شبکه‌های اجتماعی ایران، حذف آنان از مجموعه آزمایشات و تحقیقات دارویی و پزشکی در جهان است؛ آزمایشاتی که در کشورهای مختلف انجام و بابت آنها مبالغ زیادی پول به آنان داده می‌شود. آزمایشاتی که با هدف آگاهی از تأثیرات دارو یا یک پژوهش انجام می‌شود. هربار که خبری درباره این دستمزدها و این آزمایشات منشر می‌شود، بسیاری از افراد در شبکه‌های



بابک زمانی

رئیس انجمن سکنه مغزی



بهمن کشاورز حقوق‌دان

قانون مجازات اسلامی است و آنچه انجام شده در این قالب بوده است، خواهیم گفت: با فرض پذیرش این فرضیه فردی که آن حرف را زده و آن را فراخوان کرده است معاون جرم بی‌حجابی خواهد بود. (بند الف ماده ۱۲۶ قانون) و مجازات او (یعنی فراخوان‌دهنده) طبق بند ت و ماده ۱۲۷ یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتکابی (یعنی کشف حجاب علنی) است. اما مطمئناً مجازات فاعل عمل – یعنی خانمی که مرتکب بی‌حجابی شده – تشدید نخواهد شد. بگذریم از اینکه در اینجا نمی‌توان به وحدت قصد و تقدم یا اقرار زمانی رفتار معاون و مرتکب جرم قائل شد. حال اگر متن آرای صادره در مرحله بدوی و تجدید نظر علیه این خانم منتشر می‌شد – یا نبود- و استدلال دادگاه‌های محترم صادرکننده احکام در معرض قضاوت عموم قرار گیرد، ابهامات موجود برطرف و به پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد. گمان می‌رود افراد محکوم‌علیه نیز اعتراضی به انتشار آرا نداشته باشند. ب- این مهمان – که حالا تبدیل به محکومان شده‌اند- طبق اصل ۲۵ قانون اساسی و ماده‌واحد انتخاب وکیل از طرف اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده ۱۹۰ و ۳۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری حق داشته‌اند – چه در مرحله تحت نظر قرارگرفتن و چه در مرحله بازپرسی و چه در دادگاه – وکیل‌مدافع داشته باشند.

با توجه به نوع اتهام آنان محدودیت ناشی از تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری نیز در مورد انتخاب وکیل برای آنان وجود نداشته و می‌توانستند هر وکیلی را که می‌خواهند انتخاب کنند و نه وکیل مورد تأیید رئیس قوه قضائیه. خانم وکیلی دفاع از یک یا چند تن از این مهمان را بر عهده گرفته است و از اینجای قضیه ظاهراً مسلم و روشن و عادی و قانونی است. از اینجا به بعد با اخبار و شایعات و گفته‌ها مواجه هستیم: اینکه از زورود خانم وکیل به پرونده ممانعت شده است، اینکه خانم وکیل در یکی از شعب بازپرسی عمدا یا سهوا کشف حجاب کرده و با اعتراض و برخورد آقای بازپرس مواجه شده است. اینکه آقای بازپرس مورد را از مصادیق اخلاق نظم دادگاه از جانب وکیل اصحاب دعوا (موضوع قسمت اخیر ماده ۳۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری) تشخیص داده است. اینکه آنچه واقع شده توهین به مقام قضائی تلقی شده است. اما در نهایت خانم وکیل مستگیر و زندانی و باز هم در افواه گفته شده است که توقیفش برای اجرای یک فقره محکومیت پنج‌ساله قطعی‌شده قبلی است و در عین حال به یک فقره حبس ۱۲ساله نیز بابت دفاع از خانم‌هایی که کشف حجاب کرده بودند، محکوم شده است. دیگر بار پرسش‌های گوناگونی به ذهن متبادر می‌شود: اولاً – آن پنج سال حبس بابت چه مواردی بوده و حالا که حکم قطعی شده و در حال اجراست و محکوم‌علیه‌ها نیز ظاهراً راضی است، چرا برای آگاهی عموم منتشر نمی‌شود؟ ثانیاً – طبق مصوبه سازمان ملل در هوانا- که ما هم آن را قبول کرده‌ایم- وکیل نباید همگرا و همفکر با موکلش تلقی شود. بگذریم از اینکه به هر حال اتهام موکلان کشف حجاب بوده است که مجازات آن بیان

اجتماعی حسرت خود را در این زمینه بیان می‌کنند؛ مثلاً خبری که در ایام نوروز منتشر شد و داوطلبان زن اگر دو ماه می‌خواهندند می‌توانستند حدود ۱۹ هزار دلار دریافت کنند. به گزارش مرکز هوافضای آلمان که از سوی ناسا و آژانس فضایی اروپا این تحقیق را اجرا می‌کند، دانشمندان به دنبال زئانی هستند که ۶۰ شبانه‌روزی دربی‌روزی تخت بخوابند تا آنان مطالعه کنند که بی‌وزنی بر بدن انسان چه تأثیری می‌گذارد. دانشمندان حاضرند برای